

شرط ملت های کامله الوداد در سازمان تجارت جهانی

نویسنده مسئول: دکتر محمدرضا حکاک زاده^۱

محسن حسین پور^۲

چکیده

عدم تبعیض یک مفهوم کلیدی حقوق و سیاست گذاری سازمان تجارت جهانی است. دو اصل بنیادین عدم تبعیض در حقوق سازمان تجارت جهانی عبارتند از ۱. تعهد به رفتار ملت کامله الوداد و ۲. تعهد به رفتار ملی به عبارت دیگر تعهد به رفتار ملت کامله الوداد مانع از آن میشود که یک کشور میان کشورهای دیگر تفاوت گذارد اما تعهد به رفتار ملی مانع از آن است که یک کشور علیه کشورهای دیگر تبعیض روا دارد. تبعیض میان کشورها و نیز علیه دیگر کشورها ویژگی مهم سیاستهای تجاری محافظه کارانه‌های بود که از طرف بسیاری از کشورها در زمان بحرانهای اقتصادی دهه ۱۹۳۰ اعمال شد. مورخین فعلی بر این نظرند که سیاستهای تبعیضی عامل مهمی در بحرانهای سیاسی و اقتصادی بود که منتهی به جنگ جهانی دوم شد. تبعیض در موضوعات تجاری تخم خشم و نفرت را میان کشورها صنعتگران تجار و کارگرانی که تبعیض علیه آنها اعمال شده بود پاشید این رنجش، روابط بین المللی را مسموم ساخت و منتهی به مواجهه و مخاصمه سیاسی و اقتصادی شد. تبعیض، شعور و ادراک اقتصادی را کم کرد اصطلاحاً گفته میشود بازار را به نفع کالاها و خدماتی که گران تر بود و یا از کیفیت پایین تری برخوردار بود بد جلوه داد نهایتاً شهروندان کشوری که علیه آن ها تبعیض روا شده بود بهای این تبعیض را می پرداختند در نتیجه برخی از رهبران مهم سیاسی دنیا و نیز اکثر علمای رشته تجارت بین الملل به این نتیجه رسیدند که اصل ملت کامله الوداد بهترین راه انتظام تجارت بین الملل میان جامعه ملل است. اهمیت پایان دادن به تبعیض در متن سازمان تجارت جهانی و در مقدمه موافقتنامه سازمان تجارت جهانی به روشنی بیان شده است. در جایی که خاتمه دادن به رفتار تبعیض آمیز در روابط تجاری بین المللی به عنوان یکی از دو وسیله اصلی که از آن طریق اهداف سازمان تجارت جهانی قابل وصول میباشد شناخته شده است.

واژه های کلیدی: شرط ملت های کامله الوداد، سازمان تجارت جهانی، گات، عدم تبعیض، حقوق تجارت

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل دانشگاه تهران

شرط ملت کامله الوداد عبارت است از یک مقررہ معاہدہ ای کہ مطابق آن دولتی توافق می کند تا بہ شریک معاہدہ ای دیگر خود رفتاری را اعطا کند کہ از حیث مطلوبیت کمتر از رفتار اعطا شدہ بہ شریک دیگر یا دولتهای ثالث نباشد. این تعریف ابتدائی ترین نوع شرط غیر تبعیضی است کہ منشأ آن بہ معاہدات مودت و تجارت و دریانوردی برمی گردد کہ بہ معاہدات دوستی، تجارت و دریانوردی معروف بودند. مطابق این تعریف شرط تنها تضمین کننده رفتاری میباشد کہ بہ خوبی رفتاری است کہ خارجیان دیگر آن را دریافت کردہ اند و تضمینی بہ اعطا رفتار ملی نمی دہد اتباع یک دولت میتوانند رفتاری بہتر یا بدتر از خارجیان دریافت کنند. لذا شرط ملت کامله الوداد یک مقررہ غیر تبعیضی جامع نیست. این نوع معاہدات عمدتاً در رابطہ با فعالیتہای اقتصادی بود منفعتی کہ مطابق این موافقتنامہ ہا اعطا می شد، عبارت بود از تسہیل فعالیتہای اقتصادی اتباع ہر یک از دو دولت در سرزمین دولت دیگر، در واقع علت اعطا رفتار ملت کامله الوداد اقتصادی بود یعنی گیرندہ رفتار ملت کامله الوداد خواہان این بود کہ اتباعش از لحاظ اقتصادی در مقایسہ با اتباع دولتهای ثالث مورد کم توجہی قرار نگیرند چنین رفتاری مبنایی در نظریہ برابری دولت ہا نداشت. از طرف دیگر رفتار ملت کامله الوداد تنها محدود بہ قلمرو اقتصادی نمی شود. معاہدات دوجانبہ ای در زمینہ روابط دیپلماتیک و، کنسولی تضمیناتی نظیر ملت کامله الوداد را ہم در خصوص قابلیت حفظ و بقا تعہدات دیپلماتیک و کنسولی و ہم در خصوص مزایای اعطا شدہ بہ پرسنل دیپلماتیک در خود جای دادہ اند. بنابراین، خارج از قلمرو، اقتصادی شرط ملت کامله الوداد بہ عنوان یک اصل غیر تبعیضی در شرایطی کہ روابط میان دولتها از طریق موافقتنامہ های دوجانبہ تنظیم می شود، عمل خواہد کرد. اما در جایی کہ روابط از طریق موافقتنامہهای چند جانبہ تنظیم میشود چنین شروطی کمتر کاربرد دارند و شرط ملت کامله الوداد میتواند از طریق یک مقررہ غیر تبعیضی عام مطرح شود. شروط ملت کامله الوداد با درج در موافقتنامہ های چندجانبہ جایگاہ برتری را در قلمرو حقوق اقتصادی یافتند. این امر حاکی از ہدف اقتصادی شرط ملت کامله الوداد است. موضوعی کہ نتوانستہ از طریق یک مقررہ غیر تبعیضی عام بہ کنار گذاشتہ شود.

در حوزہ اقتصادی در قرون ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ شرط ملت کامله الوداد غالباً بہ صورت مشروط اعطا میشود. یک دولت رفتار ملت کامله الوداد را بہ شرط تبادل منفعتی کہ از طرف دولت دیگر مقرر شدہ بود، دریافت مینمود. بہ عبارت دیگر برای اعطا رفتار ملت کامله الوداد لازم بود در ازای آن چیزی پرداخت می شد کہ بہ شرط ملت کامله الوداد مشروط مشہور بود اعطای رفتار ملت کامله الوداد مشروط با یک درک بزرگتری روبرو شد و آن این بود کہ اعطا رفتار ملت کامله الوداد بہ صورت غیر مشروط منافع اقتصادی بیشتری را برای دولت معطی بہ بار خواہد آورد و لذا افول یافت بہ ہمین دلیل شرط ملت کامله الوداد مشروط امروزہ اهمیت کمی یافتہ است.

۱-۱- قاعده منبع تبعیض و رابطه آن با اصل ملت کامله الوداد در گات ۹۴

اصل منع تبعیض یک قاعده کلی است که حاصل برابری دولتها بوده و ذاتاً در برابری حاکمیت جای دارد. مجمع عمومی در قطعنامه ۲۶۲۵ سال ۱۹۷۰ اعلامیه راجع به اصول حقوق بین الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولتها مطابق با منشور ملل متحد را به تصویب رساند که مطابق آن دولت ها می باید روابط خود در زمینههای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی فنی و تجاری را مطابق با اصول برابری حاکمیتها ... برقرار سازند. شرط ملت کامله الوداد از نظر کمیسیون حقوق بین الملل به عنوان تکنیک یا وسیله ای جهت افزایش برابری دولتها و عدم تبعیض به کار گرفته شد. دیوان در قضیه مراکش می گوید منظور از شرط ملت کامله الوداد ابقاء و حفظ برابری اساسی میان تمامی کشورها بدون هرگونه تبعیض در تمامی زمانها است. کمیسیون رابطه و تعامل میان شرط ملت

و کامله الوداد و اصل منع تبعیض را مورد بررسی قرار داد به ویژه این که آیا اصل عدم تبعیض بر کلیت و عمومیت رفتار ملت کامله الوداد دلالت میکند یا خیر و آیا رفتار ملت کامله الوداد متضمن عدم تبعیض نیز هست؟ کمیسیون بر این نظر بود که رابطه نزدیک میان شرط و اصل عدم تبعیض نباید تفاوت های میان این دو را نادیده گیرد. این تفاوتها در مقررات مربوط به کنوانسیون های وین روابط دیپلماتیک و کنسولی، کنوانسیون راجع به مأموریتهای خاص و کنوانسیون وین راجع به نمایندگی دولت ها نزد سازمان های بین المللی جهان شمول به خوبی آشکار شده است ماده ۴۷ کنوانسیون وین روابط دیپلماتیک و کنسولی و ماده ۷۲ کنوانسیون وین روابط کنسولی مقرر می دارد:

۱. در اعمال مقررات کنوانسیون حاضر دولت پذیرنده نباید میان دولت ها تبعیض قائل شود.

۲. اما در جایی که بر طبق عرف یا توافق دولتها رفتار مطلوب تری از آن چه کنوانسیون مقرر نموده است اعطا شود، این تبعیض تلقی نخواهد شد. ماده ۴۹ کنوانسیون مأموریتهای خاص و ماده ۸۳ کنوانسیون نمایندگی دولتها نزد سازمانهای بین المللی مقرر می دارد

۱. در اعمال مقررات کنوانسیون حاضر هیچ تبعیضی میان دولت ها اعمال نخواهد شد. ۲. اما در جایی که مطابق عرف یا توافق دولت،ها تسهیلات مزایا و مصونیتهایی بیش از آن چه کنوانسیون مقرر داشته است نسبت به مأموریتهای خاص قائل شوند این دیگر تبعیض تلقی نخواهد گردید." قاعده روشنی که در این کنوانسیونها وجود دارد این است که دولتها ملتزم به وظیفه ای شده اند که ناشی از اصل عدم تبعیض است دولتها هرگز آزاد به اعطا منافع خاص به دولتهای دیگر بر مبنای یک رابطه خاص جغرافیایی اقتصادی سیاسی یا با ماهیت دیگر نیستند به عبارت دیگر اصل عدم تبعیض به عنوان یک قاعده کلی همیشه مورد استناد دولتها است اما یک دولت نمیتواند به این دلیل که دولتی به طور خاص رفتار مطلوبی را به یک دولت ثالث اعطا نموده است علیه آن دولت اقدام به اقامه دعوی نماید به شرطی که از رفتار غیر تبعیضی عامی که به دولتهای دیگر همطراز او اعطا شده است، بهره مند بوده است. هرچند گفته شده است که قاعده عدم تبعیض یک قاعده کلی است که به دنبال برابری دولت ها می آید اما این قاعده کلی حداقل در زمینه شروط ملت کامله الوداد دارای همان اثر نیست. دولت معطی صریحاً

متعهد است تا بر اساس یک قید معاهده ای یعنی شرط ملت (کامله الوداد ادعای افزون طلبی دولت هایی را که در مقام ذی نفع قرار گرفته اند برآورده نماید به محض این که قاعده کلی عدم تبعیض به درجه ای از پیشرفت نائل شد، شد طوری که برابری دقیق در رفتار دولتها و اتباعشان را برقرار نمود در آن صورت شرط ملت کامله الوداد علت وجودی خود را در آن حوزه ها از دست خواهد داد.

۱-۲- مببحث دوم. قاعده عدم تبعیض در گات ۹۴

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات به منظور کاهش عمده تعرفه ها و دیگر موانع تجاری و نیز تخطئه رفتار تجاری تبعیض آمیزی که باعث تقسیم تجارت بین الملل به بلوکهای اقتصادی شده بود، بوجود آمد. گات و جانشین آن سازمان تجارت جهانی نقشهای کلیدی را در مدیریت نظام تجارت آزاد بین المللی ایفا می کنند عدم تبعیض اصل بنیادینی است که برای دستیابی به اهداف تجارت آزاد در چارچوب گات و سازمان تجارت جهانی به کار رفته است. این اصل به دو قسمت تقسیم شد:

۱. عدم تبعیض خارجی که در ماده یک گات توضیح داده شده است. عدم تبعیض داخلی که در ماده سه گات به آن اشاره شده است.

این دو ماده مقررات کلیدی گات ۱۹۹۴ در بحث عدم تبعیض در تجارت کالاها را تشکیل میدهند. سازمان تجارت جهانی نیز به حفظ و ابقا اصل عدم تبعیض ادامه داده است و امروزه شروط ملت کامله الوداد غیر مشروط نقش مهمی را در نظام تجارت آزاد چندجانبه دارا میباشند به طور کلی تعهد رفتاری ملت کامله الوداد و تعهد به رفتار ملی در گات ۱۹۹۴ و، گاتس تبعیض به دلایلی نظیر تابعیت و یا مبدأ و مقصد یک کالا (محصول را ممنوع اعلام کرده است.

اما در موارد اندکی حقوق سازمان تجارت جهانی تبعیض بر مبنایی غیر از تابعیت یا مبدأ و مقصد ملی یک محصول را هم ممنوع ساخته است. قابل توجه ترین نمونه در این زمینه ماده (الف) ۳:۶ گات ۱۹۹۴ است که مقرر می دارد قوانین مقررات، تصمیمات قضایی و قواعد اداری عامی که مربوط به تجارت است بایستی به یک نحو یکسان و بی طرفانه و معقولی به اجرا درآید.

در این رابطه مدیرکل گات در ۱۱ نوامبر ۱۹۶۸ گفته است که الزام مقرر در این ماده اثر تحمیل کنندگی دارد یعنی در بردارنده یک تعهد عام و کلی راجع به عدم تبعیض است. از طرف دیگر، هر چند گات یک سری از موافقتنامه های دوجانبه تجاری متقابل را لغو کرد، اما همچنان به نحو گریز ناپذیری خود بر پایه اصل تقابل قرار گرفته است. گرچه اغلب موافقتنامه های تجاری به خصوص آنهایی که میان دول اروپایی منعقد میشدند، در بردارنده شروط ملت کامله الوداد مشروط بودند اما چنین شروطی در موافقتنامه گات نیامد. علت آن هم این بود که ایالات متحده ابتکار عمل را در مذاکرات تجاری در خلال جنگ دوم جهانی و پس از آن در دست داشت. علی رغم این که ایالات متحده از اصل عدم تبعیض دفاع میکرد و تقابل را در خلال این مدت، اشاعه و گسترش میداد با این وجود رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط معیار عمده و مهمی برای آزادی تجارت در

۱-۳- معضل استیفای بلاعوض

اولین وظیفه رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط در یک نظام تجارتي، چندجانبه، تسری منافع حاصل از موافقتنامه های دوجانبه به کلیه دول امضا کننده موافقتنامه عمومی است که با اکثر روابط تجاری دوجانبه در تعارض بوده و منجر به بروز مشکلات متعددی می شود.

مطابق موافقتنامه های گات شرط ملت کامله الوداد غیر مشروط به این معناست که هر موافقتنامه دو جانبه ای بایستی نسبت به دولتهای دیگر عضو هم اعمال شود. این امر حاکی از آن است که دول امضا کننده گات میتوانند از منافع موافقتنامه های دوجانبه بهره مند شوند بدون این که هیچ نیازی به وجود یک موافقتنامه لازم الاجرا با دیگران داشته باشند. موضوع استیفای بلاعوض ناشی از تعارض میان حوزه دو اصل گات یعنی اصل عدم تبعیض و تقابل است. اصل عدم تبعیض به نحو گریزناپذیری منجر به رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط می شود و لزوماً تعادل و توازن منافع را به همراه ندارد. برعکس در اصل تقابل تعادل و توازن ویژگی اصلی آن است. مطابق اصل عدم تبعیض امتیازاتی که از طریق شرط ملت کامله الوداد غیر مشروط فراهم می گردد، متقابل نبوده بلکه به طور یکجانبه اعطا می شوند یعنی طرفی که این امتیازات را می دهد نمیتواند الزاماً انتظار چیزی را در برگشت از طرف دیگر داشته باشد. لذا اصل عدم تبعیض در شروط ملت کامله الوداد غیر مشروط با اصل تقابل که یک طرف به طرف دیگر امتیازی را اعطا میکند و طرف دیگر پاسخی معادل آن می دهد در تعارض است. آزادی تجارت به دنبال کسب منافع ملی به کار گرفته شد و غالباً یکجانبه نبوده بلکه به صورت متقابل و بخاطر کسب بیشترین منافع بوده است زیرا یک ملت به این امید موانع تجاری خود را کاهش میدهد که پاسخی معادل آن از طرف دیگر دریافت کند. اما در نظام گات امتیازات متقابل به طور خودکار از طریق شروط ملت کامله الوداد غیر مشروط بایستی فراگیر شود.

این تعارض با استفاده از تقابل فراگیر قابل حل است زیرا اعتدال را برقرار میسازد. در تقابل عام چنان چه یک طرف رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط را ارائه دهد، طرف دیگر نیز با تعهد به رفتار غیر مشروط پاسخ او را میدهد نوع منافع مبادله شده در شرط غیر مشروط مهم نیست. لذا وقتی روابط دوجانبه تحت سیطره نظام تجارت جهانی در می آید شرط ملت کامله الوداد غیر مشروط میتواند با اصل تقابل سازگار شود زیرا تصمیم به اعطا رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط میتواند موردی صورت گیرد. اما به هر حال اعمال هم زمان رفتار ملت کامله الوداد و آزادی تجارت از طریق معامله متقابل مشکل است. ایالات متحده که نقش رهبر و پیشوا را در مذاکرات گات داشت ابتدا با معضل استیفای بلاعوض کنار آمد، زیرا هزینه های اجرایی و الزامی بر علیه استیفای بلاعوض، بیش از منفعی بود که از اجرای سخت و دقیق آن به دست می آمد.

اما با افزایش دولت های عضو مذاکرات پیچیده تر شدند دولتهایی که بعد از مذاکرات کاهش تعرفه ها را مقرر داشته بودند از استیفای بلاعوض شاکی شدند. علاوه بر این ایالات متحده نیز دیگر با استیفای بلاعوض موافق نبود زیرا با رکود اقتصادی در داخل و اقول فرمانروایی اش در خارج روبرو بود. برای حل مسأله استیفای بلاعوض دو اقدام قابل تصور بود اقدام اول انکار و رد رفتار غیر مشروط ملت کامله الوداد و دومی به حداقل رساندن ارزش

ملت کامله الوداد غیر مشروط از طریق جایگزینی آئینها و روشهای عملی در گات بود. از آن جا که اصل بنیادین عدم تبعیض قابل تغییر نبود، لذا تلاش شد تا ارزش رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط با تغییر در روشهای عملکردی گات به حداقل رسانده شود. بعد از دور کندی (۷-۱۹۶۴) گات در خصوص روند تصمیم گیری بسته ای را ارائه داد که استیفای بلاعوضها را استثنا مینمود نه تنها دولت ها را مجبور ساخت که به صورت اجماعی در ساختار مشارکت کنند، بلکه تصمیم گرفت که کل این معضل را به عنوان یک واحد مورد بررسی قرار دهد. یکی از روشها و آئینهای جایگزین عملکرد گات کدهای چند جانبه بود موافقتنامه های چندجانبه موازین غیر تعرفه ای که اصطلاحاً کد نامیده میشدند در نتیجه دور مذاکرات توکیو به تصویب رسیدند، اما جدای از موافقتنامه گات بودند. مشارکت در این کدها اختیاری بود و تنها نسبت به آن دسته از کشورهایی قابل اعمال بود که خواهان امضای آنها بودند اغلب کشورهای در حال توسعه از امضای کدها خودداری کردند و هر گدی نیز یک امضا جداگانه داشت که باعث پیچیده شدن این نظام میشد. این روش به دلیل گرایش ایالات متحده اتخاذ گردید. از آن جا که ایالات متحده نمی توانست کل منافع ممکن الحصول خود را از طریق لیبرالیسم عدم تبعیض که مبتنی بر تقابل فراگیر" بود، بدست آورد، لذا شروع به تأکید ورزیدن بر شیوهها و روشهای جایگزینی که مبتنی بر تقابل خاص" بود، نمود.

در چارچوب گات ایالات متحده از به کارگیری موافقتنامههای چندجانبه در دور توکیو حمایت کرد و نیز از مذاکرات دوجانبه خارج از گات بهره برد. این که آیا چنین روشی با تعهدات ملت کامله الوداد غیر مشروط منطبق هست یا خیر، یک موضوع قابل تشکیک است. بعد از دور، توکیو اعضا گات تأکید کردند که کدها اثری بر رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط مندرج در ماده یک، ندارند که تلویحاً نوعی نقض مخفیانه موافقتنامه گات نیز به حساب می آمد. "جکسون" درباره موضوع تطابق میان کدهای چندجانبه موازین) غیر تعرفه ای و اصل عدم تبعیض بیان میکند که امضا کنندگان کدها بایستی منافع کدها را به غیر امضا کنندگان نیز تسری دهند اما در واقع تنها آن دسته از امضا کنندگانی که الزامات ناشی از گدها را بر عهده گرفته بودند از منافع کدها بهره مند میشدند. توکلاین" بیان میکند که هرچند معلوم نیست که این کدها خارج از رفتار ملت کامله الوداد غیر مشروط هستند یا خیر اما کدهای موازین غیر تعرفه ای دور توکیو به صورت دو فاکتو استثنائی بر رفتار ملت کامله الوداد هستند. مطابق با نظر "هافبور"، "رب" و "استار"، این شرط مشروط است که نقش مهمی را در چارچوب نظمی که در دور توکیو استقرار یافت بازی میکند و نه مفهوم شرط غیرمشروط. در نتیجه مسیر تقابل در نظام گات و سازمان تجارت جهانی میتواند به یکی از دو جهت زیر میل کند:

یا بسوی چندجانبه گرایی همراه با رفتار ملت کامله الوداد مشروط، رود نظیر گدهای موازین غیر تعرفه ای که در دور توکیو به کار گرفته شد و یا به سوی دوجانبه گرایی هدایت شود که اجازه استثنا قائل شدن بر تعهدات ملت کامله الوداد غیر مشروط را میدهد نظیر موافقتنامه های منطقه تجارت آزاد. به طور کلی میتوان گفت در تمامی موافقتنامه های حاوی شرط ملت کامله الوداد غیر مشروط که حاصل مذاکرات است تمامی مراحل انعقاد موافقتنامه تحت شمول اصل تقابل است اما وقتی موافقتنامه منعقد شد، امتیازات آن به طور خودکار از طریق عملکرد شرط

ملت کامله الوداد غیر مشروط به همه تسری مییابد. لذا تعارضی که در عملکرد شرط ملت کامله الوداد غیر مشروط میبینیم غیر قابل اجتناب است.

۱-۴- رفتار ملت کامله الوداد در گات ۱۹۹۴

در رابطه با هر یک از تعهدات بنیادین عدم تبعیض ابتدا به بررسی ماهیت و عناصر تشکیل دهنده این تعهدات میپردازیم. ماده (۱) گات ۱۹۹۴ تحت عنوان رفتار ملت کامله الوداد در بند یک خود چنین بیان میکند: "هر نوع مزیت، سود امتیاز یا مصونیتی که در رابطه با تعهدات گمرکی و تعهدات وضع شده از هر نوع دیگری که در رابطه با صادرات یا واردات وضع میشود یا بر مبنای انتقال پرداختهای مربوط به صادرات یا واردات و نیز در رابطه با شیوه وضع مالیات بر این گونه تعهدات و الزامات وضع شده همچنین کلیه قواعد و تشریفات که در خصوص صادرات و واردات و کلیه موضوعاتی که در بندهای ۲ و ۴ ماده ۳ به آن اشاره شده است، از طرف یکی از اعضا به هر نوع کالا یا محصولی که مبدأ یا مقصد آن در کشور دیگر است، اعطا شود، بایستی فوراً و بی قید و شرط به کالای مشابهی که مبدأ یا مقصد آن در سرزمین کشورهای دیگر عضو است، نیز تسری یابد.

این تعریف دقیقاً با تعریف شروط ملت کامله الوداد غیر مشروط هماهنگ است و ترجیحات تعرفه ای دوجانبه را تخطئه می کند علاوه بر این مواد (۷) ۳ تحت عنوان ضوابط کمی، داخلی ماده ۵ تحت عنوان آزادی ترانزیت، ماده ۶ تحت عنوان الزامات مربوط به علامت گذاری ها ماده ۸ تحت عنوان عدم تبعیض در برابر محدودیتهای کمی اجرایی ماده ۱۷ در رابطه با سرمایه گذاریهای تجاری، دولت در بردارنده تعهد رفتاری ملت کامله الوداد یا رفتاری شبیه به آن هستند همچنین ماده ۲۰ گات ۹۴ تحت عنوان مقرر بند عام "در بردارنده تعهدی نظیر ملت کامله الوداد است. ویژگی نافذ اصل ملت کامله الوداد در این گونه شروط اصل عدم تبعیض در ملت کامله الوداد است.

مبحث اول ماهیت تعهد رفتاری ملت کامله الوداد در ماده (۱) گات ۹۴ همان طور که نهاد استیناف در قضیه ترجیحات تعرفه ای - جوامع اروپایی بیان کرده است، تعهد رفتاری ملت کامله الوداد سنگ بنای گات است و یکی از ارکان نظام سازمان تجارت جهانی است.

نهاد استیناف در قضیه بخش ۲۱۱ قانون بودجه عمومی ایالات متحده چنین می گوید: "بیش از ۵۰ است که تعهد به برقراری رفتار ملت کامله الوداد در ماده یک گات مرکزیت یافته و هم برای این که اطمینان از موفقیت نظام مبتنی بر قواعد جهان شمول حاکم بر تجارت کالاها اساسی و ضروری شناخته شده ماده یک گات ۱۹۹۴ تبعیض میان مبدأ یا مقصد محصولات مشابه در کشورهای مختلف را ممنوع دانسته است. هدف اصلی تعهد رفتاری ملت کامله الوداد تضمین برابری فرصتها در خصوص واردات یا صادرات نسبت به تمامی اعضا سازمان تجارت جهانی است.

در قضیه موزها - جوامع اروپایی نهاد استیناف در رابطه با تعهدات راجع به عدم تبعیض نظیر تعهد بیان شده در ماده یک چنین گفته است اساس تعهدات راجع به عدم تبعیض این است که با محصولات مشابه یکسان برخورد شود صرف نظر از مبدأ یا خاستگاه آنها از آن جا که هیچ اختلافی در این باره که همه موزها یک نوع محصول به

حساب می‌آیند وجود ندارد لذا مقررات راجع به عدم تبعیض نسبت به تمامی واردات موزها قابل اعمال است و این که چطور یک دولت عضو به دلایل اجرایی یا علل دیگر، واردات موز را به زیر دسته های مختلفی طبقه بندی کرده است مهم نیست».

در قضیه موزهای ۳ - جوامع اروپایی معیار، مورد بحث عبارت بود از نظام موزهای وارداتی به جوامع اروپایی که مطابق آن موزهای وارداتی از کشورهای آمریکای لاتین موزهای دلاری از رفتاری که از نظر مطلوبیت کمتر از رفتاری بود که با موزهای وارداتی از مستعمرات اروپای سابق (موزهای ACP) شده بود، برخوردار شده بودند.

ماده (۱۱) گات نه تنها شامل تبعیضات قانونی یا دوازده است بلکه تبعیضات عملی یا دو فاکتو را هم در بر می گیرد. در قضیه کانادا - ماشینها نهاد استیناف همانند پانل، بدوی استدلال، کانادا، مبنی بر این که ماده یک نسبت به موازینی که به نظر میرسد بی طرفانه است اعمال نمی شود را رد کرد زیرا موازینی که ظاهراً بی طرفانه است میتواند فرصت بیشتری را برای تجارت به کشورهای خاصی به نسبت دیگر کشورها بدهد و بنابراین در تعارض با تعهد عدم تبعیض در ماده یک است.

اقدام مورد بحث در این قضیه معافیت از تعهد گمرکی واردات بود که از طرف کانادا نسبت به واردات از سوی سازندگان خاصی از وسایل موتوری اعطا میشد. ظاهراً هیچ محدودیتی بر آن دسته از وسایل موتوری که شایسته این معافیت بودند وجود نداشت، اما در عمل تنها آن دسته از سازندگان وسایل موتوری که به تنهایی اقدام به ساخت نموده بودند و شرکتهای مربوطه شان از این معافیت برخوردار شدند. در نتیجه تنها کشورهای بسیار کمی به صورت دو فاکتو از این معافیت بهره مند شدند.

پانل گات در قضیه جامعه اقتصادی اروپا (EEC) - واردات گوشت به این نتیجه رسید که اقدامات جامعه اقتصادی اروپا دایر بر منوط ساختن تعلیق مالیات ورود محصولات به ارائه گواهینامه صحت و سلامت با تعهد ملت کامله الوداد در ماده یک سازگار نیست زیرا مطابق موازین مربوطه تنها آژانس تصدیق کننده ای که حق داشت به محصولات، واردانی گواهینامه صحت بدهد آژانسی بود که در ایالات متحده قرار داشت.

۱-۵- معیارهای عدم تبعیض در ماده (۱) گات ۱۹۹۴

ماده (۱) گات ۱۹۹۴ یک معیار سه بندی را جهت انطباق اقدامات اتخاذی با ماده یک بیان داشته "الف. آیا اقدام مورد بحث یک مزیت تجاری از نوعی که در ماده یک آمده است را اعطا می کند. ب. آیا محصولات مورد نظر محصولات مشابهی هستند و ج آیا مزیت مورد بحث فوراً و بدون هیچ قید و شرطی به محصولات مشابه مربوطه تسری داده شده است یا خیر

۱-۵-۱- اعطا هر نوع مزیت یا ...

در رابطه با آن چه که در ماده یک آمده است تعهد رفتاری ملت کامله الوداد هر گونه سود، امتیاز مزیت یا مصونیتی را که از سوی هر یک از اعضا به هر محصولی که مبدأ یا مقصد آن در هر کشور دیگری قرار دارد در این حوزه ها اعطا می کند:

۱- تعهدات گمرکی

۲- تعهدات از هر نوعی که بر ورود یا صدور وضع می شود (مثلاً جریمه های اضافی وارداتی یا مالیاتهای کنسولی

۳- تعهداتی که به نوعی در رابطه با ورود یا صدور وضع می شود. مثلاً حق الزحمه های بازرسی گمرکی یا بازرسی کیفی

۴- تعهداتی که بر نقل و انتقال بین المللی پرداختها جهت واردات یا صادرات کالاها وضع می شود.

۵- روش اخذ مالیات از چنین تعهداتی مثل روش ارزیابی بها قیمت پایه که بر مبنای آن عوارض گمرکی محاسبه و اخذ می شود.

۶- کلیه قواعد و تشریفات که در رابطه با ورود و صدور وضع می شود. مالیاتهای داخلی یا دیگر تعهدات داخلی، قوانین مقررات و الزاماتی که فروش داخلی پیشنهاد، فروش، خرید حمل و نقل، توزیع یا استفاده از هر نوع محصولی را متأثر میسازد.

۱- تعهدات گمرکی، دیگر تعهدات راجع به واردات و صادرات و موضوعات گمرکی دیگر اعطا می شود.

۲- مالیاتهای داخلی

۳- آئین نامه های داخلی که فروش توزیع و استفاده از کالاها را متأثر میسازد، وضع می شود تعهد رفتاری ملت کامله الوداد نه تنها دارای منافی است که به دیگر اعضا سازمان تجارت جهانی اعطا می شود بلکه منافی را هم که به دیگر کشورها من جمله کشورهای غیر عضو تعلق میگیرد را شامل می شود.

در خصوص نوع اقداماتی که تحت شمول ماده یک قرار دارد بحثهایی مطرح شده است. هم پانل ها و هم نهاد استیناف به این نتیجه رسیده اند که ماده (۱) ۱ گات حیطه بسیار وسیعی دارد. در قضیه ایالات متحده پوشاک غیر لاستیکی یا پانل ضمن اشاره به قضیه ایالات متحده - پوشاک غیر لاستیکی پا به این نتیجه رسید: "قواعد و تشریفات قابل اعمال نسبت به تعهدات کانترولینگ من جمله تشریفات که مربوط به الغا و فسخ قوانین ناشی از چنین تعهداتی میباشد، قواعد و تشریفات هستند که به نوعی در رابطه با ورود به نحوی که داخل در مبنای ماده (۱) ۱ قرار میگیرد، وضع شده اند.

پانل در قضیه پاداش استفاده کنندگان از عوارض گمرکی - ایالات متحده " چنین گفت: روند تجاری پاداش تعهدی است که بر ورود یا در رابطه با ورود در معنای ماده یک گات وضع شده است لذا مواردی که از پاداش استثنا شده است داخل در معنای، سود، مزیت امتیاز یا مصونیتی قرار می گیرد که در ماده یک آمده است و باید به طور غیر مشروط به تمام اطراف معاهده تسری یابد. همان طور که قبلاً بیان شد پانل در قضیه جامعه اقتصادی اروپا - واردات گوشت، ماده (۱) ۱ را قابل تسری و اعمال نسبت به آن دسته از مقررات جوامع اروپایی دانست که تعلیق مالیات ورود را مشروط به ارائه گواهینامه صحت و سلامت نموده بود.

در قضیه جوامع اروپایی موزهای (۳) جوامع اروپایی نزد نهاد استیناف مدعی شد که پانل در نتیجه گیری اش مبنی بر این که کارکرد قواعد عملی جوامع اروپایی که مجوزهای واردات را صرفاً به موزها اختصاص داده است نقض ماده یک به حساب می‌آید دچار اشتباه شده است نهاد استیناف رأی پانل مبنی بر نقض ماده (۱۱) را مورد تأیید قرار داد و گفت: پیش شرطهای اجرایی و شکلی مربوط به کارکرد قواعد عملی برای ورود موزها از کشورهای ثالث و کشورهای غیر ACP متفاوت و به نحو عمده ای فراتر از آن دسته الزاماتی بوده است که برای ورود موزهای وارداتی از کشورهای ACP مقرر شده بوده است. همچنین تعریف موسعی از اصطلاح مزیت در ماده یک گات ۱۹۹۴ از طرف پانل گات در قضیه ایالات متحده - پوشاک غیر لاستیکی پا به عمل آمد... به این دلایل کارکرد قواعد عملی " داخل در مفهوم "مزیتی" است که در ماده یک گات به آن اشاره شده است و به موزهای وارد شده از کشورهای ACP اعطا شده و از موزهای وارداتی از سوی اعضا دیگر دریغ شده است." در قضیه کانادا - ماشین ها نهاد استیناف قلمرو ماده یک را به خوبی روشن کرده است. ماده یک مقرر میکند که هرگونه منفعت امتیاز مزیت یا مصونیتی که از طرف یک دولت عضو به هر محصولی که مبدأ یا مقصد آن در کشور دیگری قرار دارد اعطا شود بایستی فوراً و بی قید و شرط به محصولات مشابهی که مبدأ یا مقصد آن در سرزمین دولتهای دیگر است، تسری یابد. ماده یک تنها به بعضی از مزایایی که در رابطه با موضوعاتی است که داخل در معنای ماده یک است اشاره نمی کند بلکه می گوید هر "مزیتی و نه این که بعضی از محصولات" بلکه نسبت به هر محصولی " و نه صرفاً محصولات مشابه از بعضی از دولتهای عضو، بلکه نسبت به تمامی محصولات مشابهی که مبدأ یا مقصد آنها در تمامی دولتهای عضو" است، باید تسری یابد.

در گذشته بحث هایی در رابطه با قابلیت اعمال ماده یک نسبت به موازین و اقدامات حفاظتی نظیر تعهدات آنتی دامپینگ و کانترویلینگ (خریدوفروش وجود داشت. در رابطه با اقدامات حفاظتی، "موافقتنامه راجع به اقدامات حفاظتی آشکار ساخت که تعهد رفتاری ملت کامله الوداد به طور طبیعی نسبت به اقدامات حفاظتی هم قابل اعمال است. اما موافقتنامه تحت شرایط خاصی اجازه استفاده تبعیض آمیز از اقدامات حفاظتی را داده است.

تعهدات آنتی دامپینگ و کانترویلینگ در اصل در چارچوب قلمرو ماده یک قرار دارد. باید توجه داشت که موضوعات مربوط به صادرات دامپ شده یا یارانه،ها غالباً از کشوری به کشور دیگر متفاوتند. اما در آن جا که تمامی موضوعات مربوطه یکسان هستند تعهدات آنتی دامپینگ و کانترویلینگ بایستی بدون تبعیض اعمال شود. در گزارش ۱۹۶۰ گروه کارشناسان راجع به تعهدات آنتی دامپینگ و کانترویلینگ چنین آمده است:

با در نظر گرفتن اصل انصاف و اصل ملت کامله الوداد گروه به این نتیجه رسید که در جایی که دامپینگ به همان اندازه با بیش از یک منشأ وجود دارد و در جایی که دامپینگ سبب صدمه مادی یا تهدید به ایراد صدمه مادی شود کشور وارد کننده باید به طور طبیعی انتظار داشته باشد که تعهدات آنتی دامپینگ متساویاً نسبت به تمامی واردات دامپینگ اعمال شود.

ماده (۱۱) در اصل به مزایای اعطا شده مطابق موافقتنامههای جمعی هم اعمال می شود. برای مثال مزایای اعطا شده از طرف یک عضو به دیگر اعضا موافقتنامه راجع به هواپیمایی غیر نظامی یا موافقتنامه راجع به مناقصه

عمومی بایستی با ماده (۱۱) گات منطبق باشد یا لاقفل به طور کلی، فوراً و بی قید و شرط به همه اعضا سازمان تجارت جهانی اعطا شود.

۱-۵-۲- تشابه محصولات مربوطه

دومین معیار عدم تبعیض در نظام گات ۱۹۹۴ تشابه "محصولات مربوطه" است. ماده یک مقرر می دارد مزیت اعطا شده به محصولاتی که مبدأ یا مقصد آن در هر کشور دیگری است میبایست به محصولات مشابهی نیز که مبدأ یا مقصد آن در سرزمینهای دیگر اعضا میباشد، اعطا شود. تنها میان محصولات مشابه است که تعهد رفتاری ملت کامله الوداد اعمال می شود و تبعیض ممنوع شده است.

لذا با محصولاتی که مشابه نیستند میتوان برخورد متفاوت داشت عبارت "محصولات مشابه" نه تنها در ماده یک گات، آمده بلکه در موارد ۶، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۶، ۱۹ هم آمده است. با این وجود، مفهوم محصولات مشابه در گات ۹۴، تعریف نشده است.

مرجع استیناف در قضیه جوامع اروپایی - آریستوز، پس از بحث و بررسی حول مفهوم محصولات مشابه که در ماده ۳ آمده است به این نتیجه رسید که مفهوم لغوی مشابه، یعنی این که محصولات مشابه دارای تعدادی خصایص یا ویژگیهای یکسان یا مشابه با هم باشند

در قضیه کانادا - هواپیمایی نهاد استیناف در این باره بیان نمود که معنای لغوی "مشابه" در زبان های مختلف راه را برای مسائل تفسیری باز میکند. در رابطه با مفهوم ویژگی و خصایص یکسان سه نوع تفسیر ارائه شده است: ۱- ویژگیها یا خصایصی که در رسیدن دو محصول به درجه تشابه مهم و اساسی هستند. ویژگیها یا خصایص به اندازه ای باشند که بگوئیم این محصولات مشابه هستند. ویژگیها یا خصایص مربوط به تشابه به قضاوت گذاشته شود.

از طرفی مفهوم محصولات مشابه معانی مختلفی در متون و زبان های مختلف دارد. در قضیه ژاپن - مشروبات الکلی، نهاد، استیناف تفاوتهای موجود میان مقررات گوناگون موافقت نامه سازمان تجارت جهانی در حوزه مفهوم محصولات مشابه را به کمک تصور یک آکاردئون روشن ساخت. بدین شرح آکاردئون تشابه در مقررات مختلف موافقت نامه سازمان تجارت جهانی فشرده و باز می شود. پهنای این آکاردئون در هر جا بایستی از طریق خود آن مقرر خاص که اصطلاح "تشابه" را به کار برده است، با در نظر گرفتن زمینه و شرایطی که در هر مورد آن مقرر نسبت به آن، مورد قابلیت اعمال یافته است، تعیین شود. معنای عبارت "محصولات مشابه" در ماده یک گات در گزارشهای گروههای کاری گات و پانل ها نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در قضیه اسپانیا - قهوه "بونداده پانل میبایست تصمیم میگرفت که آیا انواع مختلف قهوه بو ندارد محصولات مشابه در معنای ماده یک هستند یا خیر. اسپانیا عوارض گمرکی را بر قهوه کلمبیا و انواع دیگر آن وضع نکرده بود در حالی که ۷٪ عوارض فوق را بر سه نوع دیگر قهوه بونداده قهوه عربی ربوستا و غیره) وضع کرده بود. برزیل که صادر کننده عمده نوعی قهوه عربی بود

مدعی شد که نظام تعرفه اسپانیا با ماده یک منطبق نیست. پانل اظهار داشت برای این که ببینیم آیا انواع قهوه بونداده محصولات مشابهی هستند یا خیر، سه مسأله را باید مشخص کرد:

۱ ویژگیهای محصولات مربوطه - ۲ استفاده نهایی آن محصول - نظامهای تعرفه ای دیگر اعضا پانل چنین می گوید:

همه بحث ها بر سر تفاوت های ارگانیکی ناشی از عوامل جغرافیایی روشهای کشاورزی به عمل آوردن دانه ها و ژنتیک است.... در مورد محصولات کشاورزی که طعم و بوی محصول نهایی به دلیل یک یا چند عامل از عوامل ذکر شده، فوق متفاوت می شود امر غیر معمولی نیست. علاوه بر این قهوه بونداده عمدتاً و نه منحصرأً به شکل مخلوط با انواع مختلف قهوه فروخته می شود و این که منظور از استفاده نهایی از قهوه در تعبیر، عامه صرفاً نوعی نوشیدنی است می آید. همین طور، هیچ یک از متعهدین دیگر گات رژیم تعرفه ای متفاوتی را نسبت به انواع قهوه، بونداده، اعمال نکرده بودند. لذا پانل گفت دانه های قهوه بونداده که در فهرست تعرفه گمرکی اسپانیا، آمده باید به عنوان محصولات مشابه در معنای ماده یک در نظر گرفته شود.

در یکی از پانل های سازمان تجارت جهانی در بحث راجع به تشابه محصولات به بررسی ذائقه مصرف کنندگان و عاداتهای مصرفی آنها پرداخته شده است. در صحن سازمان تجارت جهانی بحث های زیادی در این باره که آیا روند تولید (PPM) در تعیین معیار تشابه محصولات به کار می رود یا خیر، در گرفت. و نهایتاً نتیجه گرفته شد چنان چه روند، تولید ویژگیهای فیزیکی محصولات را تحت تأثیر قرار ندهد، PPM دخالتی در تعیین معیار تشابه ندارد.

در نتیجه، محصولاتی که به یک حالت دشوار محیطی تولید میشوند نمی توانند تحت برخوردی متفاوت نسبت به محصولاتی که به یک روش منعطف و غیر خشن محیطی تولید میشوند قرار گیرند. همچنین ماده یک به محصولاتی هم که تابع یک نظام تعرفه ای الزام آور نیستند، اعمال می شود.

پانل در قضیه اسپانیا - قهوه بونداده به این امر تصریح و بیان میکند که ماده یک متساویاً به نظام های تعرفه ای الزامی و غیر الزامی اعمال می شود.

بند سوم فوری بودن و غیر مشروط بودن مزیت اعطایی سومین معیار عدم تبعیض در نظام گات ۱۹۹۴ فوری بودن و غیر مشروط بودن مزیت اعطائی است. ماده یک گات مقرر می دارد که هر نوع مزیت اعطایی از سوی هر یک از اعضای سازمان تجارت جهانی، نسبت به محصولات وارداتی از هر کشوری بایستی فوری و بی قید و شرط به واردات دیگر اعضای سازمان تجارت جهانی هم اعطا شود.

چنان چه یکی از اعضای سازمان تجارت جهانی مزیتی را به محصولات وارداتی یک کشور بدهد، نمی تواند اعطای آن مزیت به دیگر محصولات وارداتی از کشورهای دیگر عضو سازمان تجارت جهانی را مشروط به جبران نماید.

مطابق اظهار نظر حقوقی دبیر کل گات در سال ۱۹۷۳ به هنگام الحاق مجارستان به گات پیش شرط وجود یک قرارداد همکاری به منظور انتفاع از رفتار تعرفه ای خاص متضمن یک رفتار ملت کامله الوداد مشروط بوده و لذا با موافقتنامه عمومی منطبق نیست.

قضیه اندونزی - ماشینها بر سر این بود که در برنامه اتومبیل فوریه ۱۹۹۶، اعطای مزایای گمرکی به بخشها و اجزاء مشروط به این شده بود که این بخشها یا اجزا در مجموع در ساخت خودروی ملی اندونزی به کار رود. حال آنکه اعطای مزایای مالیاتی محدود به کمپانی پایونیر شده بود که تولید کننده خودروهای ملی بود. شرط سوم نیز برای اعطا وجود داشت و آن تعقیب اهداف ماهوی محلی بود. در واقع، طبق این برنامه منافع مالیاتی و عوارض گمرکی مشروط به تحصیل یک ارزش ماهوی خاص برای خودرو ملی شده بود. پانل در رابطه با الزام مقرر در ماده یک یعنی اعطای فوری و بی قید و شرط مزایا گفت: "وجود ون چنین شرایطی با مقررات ماده یک که میگوید مزایای مالیاتی و گمرکی باید فوری و بی قید و شرط به محصولات وارداتی تعلق گیرد منطبق نمیباشد. رفتار ملت کامله الوداد را در رابطه با هر گونه اقدامی که تحت شمول این موافقتنامه قرار می گیرد، مقرر داشته است.

علی رغم مرکزیت رفتار ملت کامله الوداد در گات همگات و هم سازمان تجارت جهانی استثنائات مهمی را به رفتار ملت کامله الوداد وارد کرده اند. با توجه به این که آزاد سازی تجارت و اصل رفتار ملت کامله الوداد غالباً با ارزشها و منافع مهم اجتماعی نظیر افزایش و حمایت از بهداشت عمومی سلامت مصرف کننده محیط زیست، استخدام، توسعه اقتصادی و امنیت ملی میتواند در تعارض افتد حقوق سازمان تجارت جهانی قواعدی را برای آشتی میان آزادی تجارت و دیگر ارزشها و منافع اجتماعی مهم ارائه داده است. این قواعد در قالب طیف گسترده ای از استثنائات به اصول بنیادین گات مطرح شده است که شامل ۶ طبقه اصلی می شود. ۱. استثنائات عام ۲. استثنائات امنیتی .. استثنائات ضرورت اقتصادی ۴ استثنائات اتحادیه منطقه ای ۵ استثنائات توسعه اقتصادی ۶ استثنائات توازن پرداخت ها این استثنائات به اعضا اجازه میدهند تا تحت شرایط خاصی قوانین و اقداماتی را که ارزش و منافع مهم اجتماعی را حمایت میکنند اتخاذ و حفظ نمایند حتی اگر در تعارض با قواعد ماهوی وضع شده در گات ۹۴ یا گاتس باشد. این استثنائات تحت شرایط خاصی به اعضا اجازه میدهند تا اولویت را به ارزشها و منافع اجتماعی خاص در برابر آزادی تجارت بدهند.

این استثنائات دو گونه اند دسته اول استثنائاتی که به دلیل کارکردی اصل رفتار ملت کامله الوداد را نقض میکنند و دسته دوم آن دسته از استثنائاتی است که طبقه خاصی از طرفهای متعاقد را از تعهدات پذیرفته شده از طرف دیگر اعضا معاف مینمایند یا قواعد را بنفع آنها اصلاح و تعدیل مینمایند.

در خصوص استثنا نوع اول ماده (۲۴) ۲۴۴ بسیار حائز اهمیت است مطابق این ماده ایجاد منطقه تجارت آزاد و اتحادیه های گمرکی که به موافقتنامههای تجارت ترجیحی معروف است، مجاز دانسته شده است. اما با رعایت شرایط و قیودی که به آنها اشاره خواهیم کرد. در مورد نوع دوم استثنائات موافقتنامه گات کشورهای در حال توسعه را مجاز دانسته است تا مقررات ویژه و متمایزی را داشته باشند. آنچنانکه در ماده ۱۸ گات ملحوظ شده است.

همچنین بند ۲ ماده یک گات متضمن معافیت جامعی از رفتار ملت کامله الوداد در خصوص ترجیحاتی است که تحت رژیمهای قدیمی مستعمراتی که از قبل وجود داشته و در حال حاضر از میان رفته اند. می باشد. که در این قسمت به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۱-۶- استثنائات عام در گات ۱۹۹۴

ماده ۲۰ گات تحت عنوان "استثنائات عام" بیان می کند:

از آن جا که چنین اقداماتی نباید به روشی اعمال شوند که وسیله تبعیض خودسرانه یا غیرموجه را میان کشورهای که دارای شرایط یکسانی هستند فراهم سازند یا یک محدودیت پنهانی بر تجارت بین المللی تحمیل نمایند لذا هیچ چیزی در این موافقتنامه نبایستی به نحوی تفسیر شود که مانع تصویب یا اجرای اقدامی شود که الف برای حمایت از اخلاقیات عمومی ب حمایت از حیات انسانی گیاهی، جانوری ضروری است... یا در برای حفظ انطباق با قوانین یا مقرراتی که با موافقتنامه منطبق نبوده، از قبیل مقرراتی که در رابطه با اجرای گمرکات، امتیازات انحصاری بند ۴ ماده ۲ و ماده ۱۷ حمایت از حق اختراع علائم تجارتي و نسخه برداری و جلوگیری از رویه های متقلبانه هـ در رابطه با محصولات که کارگاههای زندان ها تولید میکنند و حمایت از میراث ملی، هنری تاریخی با آثار باستانی زحفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی ضروری تلقی شود چنان چه اقدامات فوق در پیوستگی و پیوند با محدودیتهای وارده بر تولید یا مصرف موثر باشد.

۱-۶-۱- ماهیت و عملکرد ماده ۲۰ گات ۱۹۹۴

پانل در قضیه ایالات متحده بخش ۳۳۷ اعلام میکند که محور اولین جمله ماده ۲۰ این است که هیچ چیزی در این موافقتنامه نباید به نحوی تفسیر شود که جلوی اقدامات یا اجرای آن اقداماتی که شرایط بیان شده در ماده ۲۰ را دارند، بگیرد حتی اگر با دیگر مقررات و تعهدات گات ۱۹۹۴ در تعارض باشد. ماده ۲۰ اجازه برخی استثنائات را به طور محدود و مشروط از تعهدات گات داده است این استثنائات محدودند به این دلیل که فهرست استثنائات ماده ۲۰ یک فهرست حصری است و از طرف دیگر مشروطند زیرا تنها برای توجیه یک اقدام غیر قانونی بکار میروند در نتیجه ماده ۲۰ به اعضا اجازه می دهد تا اقداماتی را که ارزشهای اجتماعی مهم را افزایش یا مورد حمایت قرار میدهند اتخاذ و یا آن را حفظ کنند، لذا تعجب آور نیست که ماده ۲۰ نقش عمده ای را در بسیاری از اختلافات گات و سازمان تجارت جهانی بازی میکند.

یک اصل پذیرفته شده در تفسیر این است که استثنائات باید به طور مضیق تفسیر شوند. لذا ماده ۲۰ نیز بایستی به نحو مضیق تفسیر شود اما نهاد استیناف در قضایای ایالات متحده - گازلین " و "ایالات متحده - میگو به این ترتیب عمل نکرد و به جای آن نوعی توازن میان قاعده کلی و استثنا برقرار کرد. نهاد استیناف در رابطه با بند (ز) ماده ۲۰ که استثنا مورد بحث بود به این نتیجه رسید که تفسیر مضیق از استثنائات ماده ۲۰ بی مورد است و به جای آن از توازن میان آزادی تجارت و دیگر ارزشهای اجتماعی حمایت کرد.

پانل در قضیه ایالات متحده - میگو» در رابطه با نوع اقداماتی که میتواند مطابق ماده ۲۰ توجیه شود، اعلام کرد که ماده ۲۰ نمیتواند اقداماتی را که نظام تجارت چندجانبه سازمان تجارت جهانی را تضعیف میکند توجیه نماید و یا اقدام یک دولت عضو که دستیابی به بازار آن برای یک کالای مفروض مشروط به اتخاذ سیاستهای خاصی از سوی دولت عضو صادر کننده شده است. در مرحله پژوهش، استیناف نظر پانل در خصوص قلمرو اقداماتی که مطابق ماده ۲۰ میتواند توجیه شود، را رد کرد و گفت، اقداماتی که کشورهای صادر کننده را ملزم میکنند که از سیاستهای خاصی پیروی نمایند که از سوی کشور وارد کننده تعیین میشود در واقع نمونه ای از اقداماتی هستند که مطابق ماده ۲۰ قابل توجیه اند. اینها معیناً و نه به طور منطقی از قلمرو ماده ۲۰ استثنا شده اند. نهاد استیناف تا به امروز معلوم نکرده است که آیا اقداماتی که از یک ارزش اجتماعی یا منفعتی خارج از صلاحیت سرزمینی دولت اتخاذ کننده، اقدام حمایت کرده یا ادعای حمایت از آن را دارند، میتوانند مطابق ماده ۲۰ توجیه شوند یا خیر؟

هیچ محدودیت صلاحیتی مصرحی در ماده ۲۰ وجود ندارد اما آیا یک محدودیت صلاحیتی ضمنی وجود دارد که ماده ۲۰ بتواند برای حمایت از ارزشهای غیر اقتصادی خارج از صلاحیت سرزمینی عضو مربوطه مورد استناد قرار دهد یا خیر؟ در قضیه «ایالات متحده میگو» که مربوط به ممنوعیت ورود میگوهای قهوه ای به عنوان یکی از روشهایی که منجر به کشته شدن ناگهانی لاک پشتهای دریایی میشود بود نهاد استیناف اشاره کرد که چون لاک پشتهای دریایی مهاجرت میکنند و آبهای تحت صلاحیت ایالات متحده را در می نوردند نمیتوان قضاوت کرد که آیا یک محدودیت صلاحیتی ضمنی در ماده (ز) ۲۰ وجود دارد یا خیر و اگر هست ماهیت و قلمرو آن محدودیت چیست تنها چیزی که میتوان گفت این است که در احوال خاص قضیه مطروحه پیوند کاملی میان مهاجرت یک جمعیت دریایی مواجه با خطر و ایالات متحده در راستای اهداف بند (ز) ماده ۲۰ وجود دارد.

۱-۶-۲- معیارهای مندرج در ماده ۲۰ کات ۱۹۹۴

ماده ۲۰ یک معیار دو، بندی را برای توجیه یک اقدام مغایر با تعهدات گات ارائه داده است. نهاد استیناف در قضیه ایالات متحده - گازولین در این باره بیان میکند که دو دسته شرط برای توجیه اقدام مغایر با گات لازم است اولاً ارکان یکی از استثنائاتی که در بندهای (الف) تا (ط) ماده ۲۰ آمده است، وجود داشته باشد و ثانیاً ارکان کلی ماده ۲۰ احراز شده باشد.

در قضیه ایالات متحده - میگو نهاد استیناف به خوبی رابطه میان هر دو دسته از این عناصر یا مراحل را بیان کرده است لزوم طی مراحل مذکور مطابق ماده ۲۰ حاکی از آن است که این انتخاب تصادفی و از روی مسامحه نبوده است بلکه ناشی از ساختار اصلی و منطبق ماده ۲۰ است. [] وظیفه مفسر این است که جلوی سوء استفاده از استثنائات مقرر در ماده ۲۰ را بگیرد و این بسیار مشکل است. زیرا که در همه حال این احتمال وجود دارد که مفسر نظیر پانل در این قضیه از همان ابتدا استثنا خاص تهدید کننده و مخرب " را مشخص و بررسی نکرده باشد معیارهای موجود در صدر ماده ۲۰ لزوماً از حیث قلمرو موسعند و منتهی به ممنوعیت اقدامات میشوند که وسیله تبعیض غیر موجه یا خود سرانه میان کشورهای را که دارای شرایط یکسانی هستند فراهم میآورد یا یک محدودیت

پنهانی بر تجارت بین المللی وارد میسازد. محتوای چنین معیارهایی به هنگام اعمال در یک قضیه خاص میتواند با توجه به نوع اقدام تحت بررسی، متفاوت شود آن چه تبعیض خودسرانه یا غیر موجه را در یک قضیه خاص تشکیل میدهد یا بیانگر محدودیت پنهانی بر تجارت بین المللی در رابطه با طبقه ای از اقدامات میباشد لازم نیست که در رابطه با گروه یا نوع دیگری از اقدامات هم این چنین باشد. برای مثال معیار تبعیض خودسرانه در راس ماده ۲۰ در مورد اقدامی که برای حمایت از اخلاقیات عمومی ضرورت دارد و اقدامی که در رابطه با تولیدات کارگران زندانی است، فرق می کند.

۱-۶-۳- استثنائات خاص مندرج در ماده ۲۰ گات ۱۹۹۴

بندهای (الف) تا (ط) ماده ۲۰ دلایل خاصی را برای توجیه اقدامات مغایر با مقررات گات ۹۴ بیان می کنند که عبارتند از حمایت از ارزشهای اجتماعی اقتصادی و غیر اقتصادی نظیر حیات بشر، گیاهان و جانوران و سلامت آنها منابع طبیعی تمام شدنی میراث ملی، هنری تاریخی یا آثار باستانی و اخلاق عمومی...

نهاد استیناف در قضیه ایالات متحده - گزولین» در خصوص عبارات بکار رفته در بندهای مختلف ماده ۲۰ بیان میکند که بندهای ماده ۲۰ شرایط متفاوتی را در خصوص پیوند میان اقدام مورد بحث و ارزش اجتماعی تحت تعقیب لحاظ کرده است. برخی از اقدامات برای حمایت یا افزایش حمایت اجتماعی ضروری هستند نظیر حمایت از حیات و سلامتی انسانها جانوران و گیاهان حال آنکه راجع به دیگر اقدامات، تنها کافی است که با ارزش اجتماعی تحت تعقیب به نوعی مرتبط باشند نظیر حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی

بند ب ماده ۲۰ اقدامات ضروری برای حمایت از حیات یا سلامتی، بشر جانوران و گیاهان این بند یک معیار دو بندی را برای تعیین اقدامی که موقتاً مطابق این ماده موجه قلمداد می شود ارائه داده است. پانل در قضیه ایالات متحده - گزولین بیان میکند که ایالات متحده به عنوان طرفی که به این ماده استناد میکند دو امر را بایستی ثابت کند اولاً سیاستی که در جهت آن مبادرت به اتخاذ اقدامات مغایر شده است داخل در ردیف سیاستهایی است که برای حمایت از حیات یا سلامتی انسان گیاهان و جانوران طراحی شده است و ثانیاً چنین اقداماتی برای آن جام آن اهداف لازم و ضروری بوده است.

در مورد رکن اول معیار یعنی هدف، اقدام نسبتاً اعمال آن آسان است و منجر به بروز مشکلات تفسیری عمده ای نمیشود پانل در قضیه تایلند - سیگارت در رابطه با این رکن چنین گفت: از آن جا که سیگار کشیدن برای سلامت انسانها یک خطر جدی است لذا اقداماتی که برای کاهش مصرف کنندگان سیگار وضع شده است داخل در قلمرو ماده ۲۰ قرار می گیرد.

در قضیه "آزبستوز - جوامع اروپایی کانادا از نتیجه گیری پانل تقاضای پژوهش کرد مبنی بر این که جوامع اروپایی ثابت کرده اند که هدف از ممنوع ساختن آزبستوز کریستال که با فرمان حکومتی به اجرا در آمده است داخل در ردیف سیاستهایی است که برای حمایت از حیات و سلامتی انسان ها تعیین شده است.

کانادا با تفسیر پانل از رکن اول معیار مخالف، نبود بلکه با ارزیابی پانل در اعتبار و اهمیتی که به ادله علمی مطروحه نزد آن داده شده بود مخالف بود. کارشناسان و گزارشهای علمی آن ها مخالف بود. اما نهاد استیناف پژوهش کانادا را رد کرد زیرا نتیجه گیری پانل را در چارچوب صلاحدیدگی آن یافت مبنی بر این که تولیدات سیمان کریستال خطری را بر حیات یا سلامتی بشر تحمیل میکند.

دومین رکن معیار ماده (ب) ۲۰ ضرورت اقدام است که مشکل سازتر است پانل در قضیه تایلند - سیگار به این سوال پرداخت که آیا ممنوع کردن واردات سیگار از سوی تایلند که با ماده ۱ گات ۱۹۴۷ در تعارض است طبق ماده (ب) ۲۰ قابل توجیه هست یا خیر. پانل اشاره کرد که این ماده صراحتاً به اعضا متعاهد اجازه داده است تا به سلامت بشر در قبال آزادی تجارت اولویت دهند اما لازم است اقدام مربوطه ضروری نیز باشد. پانل چنین نتیجه گیری کرد که محدودیتهای وارداتی که از سوی تایلند تحمیل شده است در صورتی ضروری خواهد بود که هیچ اقدام جایگزین دیگری را که با موافقتنامه عمومی منطبق باشد و یا کمتر در تعارض باشد نتوان یافت چرا که تایلند به منظور دستیابی به اهداف سیاستهای سلامتی خویش می توانست به طور معقول انتظار چنین کاری را داشته باشد.

اهداف عمده سلامت که مدنظر تایلند بود دو جنبه داشت. ۱. تضمین کیفیت سیگارها به این نحو که مردم را در برابر محتویات مضر سیگارهای وارداتی حمایت و حفظ نماید. کاهش مصرف سیگار در تایلند که همان اعمال معیار ضرورت بود.

پانل به این موضوع پرداخت که آیا نگرانیهای تایلند درباره کیفیت سیگارهای مصرفی در تایلند می تواند اقدامات وی را با موافقت نامه عمومی منطبق ساخته یا کمتر غیر منطبق سازد و به این نتیجه رسید که کشورهای دیگر نیز مقررات آشکار جزئی دقیق و غیر تبعیضی دارند که به آن ها اجازه کنترل و به مردم حق اطلاع بر محتوای سیگارها را میدهد یک مقرر غیر تبعیضی که بر مبنای رفتار ملی و در تطابق با ماده (۴) ۳ اجرا میشود میباشد اجرای کامل سیگار را افشا و موادی که برای سلامتی انسان مضر است را ممنوع کند، چنین مقرر ای اقدام جایگزینی است که با موافقت نامه عمومی منطبق است. پانل نتیجه گرفت که تایلند میتواند به طور معقول انتظار اتخاذ چنین اقداماتی را به منظور مخاطب قرار دادن کیفیتی که با اهداف سیاست سلامتی انسانها مرتبط بوده و دنبال میشود از طریق وضع ممنوعیت بر ورود تمام سیگارها صرف نظر از محتوای آنها داشته باشد در رابطه با دومین هدف سیاست سلامت یعنی کاهش مصرف سیگار پانل بررسی کرد که آیا نگرانی تایلند درباره کیفیت سیگارهای مصرفی میتواند به طور معقول از طریق اقداماتی که با موافقت نامه عمومی منطبق و یا کمتر معارض بوده و در دسترس است، برآورده شود... مثلاً ممنوع کردن آگهی های سیگار با منشا داخلی و خارجی طبیعتاً شرایط ماده (۴) ۳ را دارد یا... باید آن را به عنوان یک امر اجتناب ناپذیر و ضروری در معنای ماده (ب) ۲۰ به حساب آورد زیرا آگهی های اضافی خطر بالا بردن تقاضا برای سیگار را افزایش می دهد.

نهایتاً پانل به این نتیجه رسید که اقدامات گوناگونی در تطابق باکات وجود داشت که به طور متعارف در دسترس تایلند برای کنترل کمیت و کیفیت سیگارها بوده که اگر با هم اتخاذ میگردید می توانست اهداف سیاست سلامت تایلند را برآورده سازد. لذا محدودیت وارداتی بر سیگارها در معنای ماده (ب) ۲۰ ضروری نبوده است.

بنابراین مطابق یافته، پانل اقدامی ضروری در معنای ماده (ب) ۲۰ خواهد بود که هیچ اقدام جایگزینی که با مقررات گات منطبق و یا کمتر معارض باشد وجود نداشته باشد و این که آشکارا هر دولت عضوی به طور معقول انتظار این را داشته باشد که بکار بستن اقدام جایگزین حداقل در دستیابی به هدف سیاست تحت تعقیب موثر مییابد.

پانل در قضیه ایالات متحده - گازولین توضیح مهمی درباره عنصر ضرورت در ماده (ب) ۲۰ داد. آن چه مدنظر است ضرورت هدف سیاست نیست بلکه ضرورت اقدام مورد اختلاف برای رسیدن به هدف مورد نظر است. پانل در این قضیه بررسی کرد که آیا اقدامات منطبق با گات و یا کمتر معارض باگات که به طور متعارف بتواند در اختیار ایالات متحده برای پیش برد اهداف سیاست حمایتی آن از حیات یا سلامتی انسان گیاه و حیوان وجود داشته است یا خیر

استدلال کانادا، به هنگام پژوهش خواهی در قضیه آزیستوز جوامع اروپایی " که راجع به اختلاف میان کانادا و جوامع اروپایی بر سر ممنوعیت فرانسوی آزیستوز و محصولات آزیستوز بود، که پانل در اعمال معیار ضرورت مطابق ماده (ب) ۲۰ گات ۹۴ اشتباه کرده است. مرجع استیناف معیار ضرورت در ماده (ب) ۲۰ را از سه جنبه مهم روشن ساخت اولاً، اعضای سازمان تجارت جهانی این حق را دارند که سطح حمایت از سلامت یا محیط زیست را آن طور که مقتضی میدانند تعیین کنند و اعضا دیگر نمیتوانند به سطح حمایت انتخابی اعتراض کنند. بلکه صرفاً میتوانند اقدام مورد بحث را برای رسیدن به سطح حمایت انتخابی «ضروری ندانند ۲۰ ثانیاً در آزیستوز جوامع اروپایی مرجع استیناف معنای الزامی را که در قضایای "سیگارها - تایلند" و "گازولین - ایالات متحده فرموله شده بود را توضیح داد به این نحو که هیچ جایگزینی برای اقدام مورد بحث که هر عضو به طور معقول میتواند انتظار داشته باشد که آن را به کار بندد وجود نداشته باشد کانادا مدعی بود که پانل در نتیجه گیری خود مبنی بر این که استفاده کنترل شده جایگزینی بوده که به طور معقول جهت ممنوع کردن ورود آزیستوزها در دسترس بوده است، اشتباه کرده است. مطابق نظر، کانادا اقدام جایگزین که به عنوان یک جایگزین متعارف در دسترس در جایی که اجرای اقدام اصلی غیر ممکن میشود به کار گرفته می شود.

مرجع استیناف در این خصوص که آیا یک اقدام جایگزین آن طور که کانادا مدعی است، به طور معقول در دسترس بوده است یا خیر چنین میگوید در کنار مشکل اجراء عوامل چندی نیز باید به حساب آید. مرجع استیناف به نتایج قبلی خود راجع به معیار ضرورت در ماده (د) ۲۰ در قضیه کره - موازین مختلف برگوشت " اشاره میکند. تفسیر نهاد استیناف در این قضیه از اصطلاح «ضرورت مندرج در ماده (د) ۲۰ به طیفی از درجات ضرورت در ماده (د) ۲۰ بر میگردد به نحوی که میتوان نتیجه گرفت که این امر در مورد ماده (ب) ۲۰ نیز صادق است.

در قضیه آزیستوز - جوامع اروپایی نهاد استیناف در رابطه با عنصر ضرورت» در ماده (ب) ۲۰ بیان میکند که در تصمیم گیری راجع به ضرورت یک اقدام باید اهمیت ارزش اجتماعی را که توسط اقدام مورد بحث تعقیب میشود همچنین قلمرویی را که اقدام جایگزین برای حمایت یا افزایش آن ارزش خواهد داشت را نیز بررسی کرد.

ثالثاً به جای شرطی که در قضیه تایلند - سیگارها آمده بود و لازم میدانست که اقدام جایگزین با گات منطبق و یا کمتر معارض باشد در قضیه آزیستوز - جوامع اروپایی شرط دیگری را مطرح کرد، به این ترتیب که اقدام جایگزین نایستی نسبت به اقدام مورد بحث اثر محدود کنندگی بیشتری بر تجارت داشته باشد به طور خلاصه نهاد استیناف در آزیستوز - جوامع اروپایی درباره معیار (ب) ۲۰ چنین نظر داد: مساله این است که آیا یک اقدام جایگزین که به همان نتیجه بینجامد و از لحاظ وضع محدودیت بر تجارت به حد ممنوعیت نرسد، وجود دارد یا خیر.»

کانادا مدعی بود که استفاده کنترل شده از آزیستوز و محصولات، آزیستوز اقدام جایگزین معقولی است که ضمن این که به همان نتیجه میان، جامد ممنوعیتی هم بر آزیستوزها وارد نمی کند. لذا موضوع مورد بحث برای استیناف این بود که آیا فرانسه میتواند به طور معقول انتظار به کارگیری روشهای استفاده کنترل شده برای رسیدن به سطح انتخابی حمایت از سلامتی را داشته باشد یا خیر. با درنگ در گوناگونی آزیستوزهای مضر برای سلامتی مرجع استیناف نتیجه گرفت که فرانسه نمی توانسته چنین کند. همچنین مرجع استیناف در رابطه با ارزیابی ضرورت یک اقدام اشاره میکند که اعضا مجبور نیستند در چیدمان سیاست سلامتی خودشان به دنبال آن نظری روند که اجماع علمی بر آن وجود دارد. لذا پانل لزومی ندید که برای رسیدن به نتیجه بر مبنای توزین کثرت ادله پیش رود. ماده (د) ۲۰: اقدامات ضروری برای حفظ حقوق داخلی

ماده (د) ۲۰ یک معیار دو بندی را برای توجیه موقتی اقدامات مغایر با کات ارائه داه است. در قضیه موازین مختلف بر گوشت - کره، اختلاف بر سر تنظیم خرده فروشی محصولات گوشت وارداتی و داخلی بود

نهاد استیناف درباره نظام دوگانه خرده روشی که به منظور حفظ انطباق با حقوق حمایت از مصرف کننده طراحی شده بود. چنین گفت: برای این که اقدام مغایر با گات موقتاً مطابق ماده (د) ۲۰ موجه باشد، بایستی، اولاً اقدام مورد بحث برای حفظ انطباق با حقوق داخلی طراحی شده باشد، نظیر حقوق گمرکات حقوق مصرف کنندگان یا حقوق مالکیت فکری که فی نفسه با گات مغایر است و ثانیاً اقدام مربوطه برای تضمین انطباق ضروری باشد.

در رابطه با بند اول معیار ماده (د) ۲۰ یعنی حفظ انطباق با حقوق داخلی، پانل در قضیه ایالات متحده - گازولین " چنین گفت: برقراری تبعیض میان گازولین داخلی و وارداتی که در راستای روشهای تعیین خط مبدا بوده و با ماده (۳(۴) در تضاد میباشد حفظ انطباق با نظام خط مبدا" محسوب نشده و چنین روشهایی یک نظام لازم الاجرا نیستند. آنها صرفاً قواعدی هستند برای تعیین خط میداهای انفرادی و لذا از نوع اقداماتی که به ماده (د) ۲۰ مربوط میشوند نیستند.

در رابطه با رکن دوم معیار ماده (یعنی معیار ، ضرورت نهاد استیناف در قضیه کره - موازین مختلف بر گوشت چنین گفت برای این که اقدامی مطابق رکن دوم معیار ماده (د) ۲۰ ضروری تلقی شود، متضمن توزین و برقراری تعادل میان عوامل مختلف در هر قضیه است نظیر ۱. اهمیت نسبی منافع یا ارزشهای عمومی که قانون یا آئین نامه به منظور حمایت از آن اجرا میشود . قلمرویی که در آن اقدام مورد بحث برای حفظ انطباق با حقوق یا آئین نامه مورد بحث اعمال می شود.

ماده (ز) ۲۰: اقدامات راجع به محافظت از منابع طبیعی تمام شدنی

ماده (ز) ۲۰ اساساً مهم است زیرا همراه با ماده (ب) ۲۰ اقداماتی را که خارج از حوزه قواعد گات بوده و به منظور حمایت از محیط زیست لازم هستند اجازه میدهد. ماده (ز) ۲۰ یک معیار سه بندی را ارائه می دهد، به این ترتیب که موضوع اقدام اولاً بایستی مربوط به منابع طبیعی تمام شدنی باشد، ثانیاً با حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی ارتباط داشته باشد و ثالثاً در محدودیتهای وارده بر تولید یا مصرف مؤثر باشد. در رابطه با بند اول یعنی ارتباط میان اقدام با حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی، نهاد استیناف در قضیه «ایالات متحده - میگو یک تفسیر موسع و انقلابی از این مفهوم ارائه داد در این قضیه خواهان ها استدلال میکردند که ماده ((ز) ۲۰ محدود به حفاظت از منابع طبیعی غیر زنده یا معدنی می شود به این دلیل که منابع طبیعی ، زنده قابل تجدید و تکرار شدن هستند و لذا نمیتوان آنها را جزو منابع طبیعی تمام شدنی به حساب آورد نهاد استیناف با این استدلال مخالفت کرد و چنین گفت: "درسی که علوم جدید زیست شناسی به ما میدهند این است که هر چند اصولاً موجودات زنده قابلیت تولید دوباره را دارند و به این معنا قابل تجدید شدن هستند اما در شرایط خاصی که به دلیل فعالیتهای انسانی این منابع رو به تمام شدن نابودی و تهی شدن گذاشته اند نظیر نفت و سنگ معدن آهن و دیگر منابع غیر زنده، باید تمام شدنی محسوب شوند.

نهاد استیناف بیشتر در رابطه با تفسیر مقتضی از مفهوم منابع طبیعی تمام شدنی توضیح می دهد عبارات بند (ز) ماده ۲۰ راجع به منابع طبیعی تمام شدنی بیش از ۵۰ سال است که استادانه ساخته و پرداخته شده است. این بند بایستی در پرتو نگرانی فعلی جامعه ملتها راجع به حمایت و حفاظت از محیط زیست تفسیر شود. گرچه ماده ۲۰ در دور اروگوئه اصلاح نشد اما مقدمه ضمیمه شده به موافقتنامه سازمان تجارت جهانی حاکی از آن است که امضا کنندگان آن موافقتنامه در ۱۹۹۴ کاملاً از اهمیت و مشروعیت حمایت از محیط زیست به عنوان یکی از هدفهای سیاست بین المللی و ملی آگاه بودند که نه تنها در مقدمه موافقتنامه سازمان تجارت جهانی بلکه در تمامی موافقتنامههای نظیر این نیز هدف از توسعه پایدار صراحتاً بیان شده است. از آن چه در مقدمه موافقتنامه سازمان تجارت جهانی آمده، برداشت می شود که مفهوم منابع طبیعی یک مفهوم ایستا نیست بلکه تعریف متحول شونده است لذا این مفهوم وابسته به این است که کنوانسیونها و اعلامیه های بین المللی جدید چه تعبیری از منابع طبیعی تمام شدنی دارند. امروزه اغلب اسناد بین المللی از منابع طبیعی به عنوان منابعی که شامل هم موجودات زنده و هم غیر زنده است، یاد می کنند.

در رابطه با دومین رکن معیار (ز) ۲۰ یعنی این که یک اقدام با موضوع حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی ارتباط داشته باشد پانل گات در قضیه کانادا - "Herring and salmon" چنین گفت: " ماده (ز) ۲۰ بیان نمی کند که چطور موازین تجاری با مسأله حفاظت ارتباط می یابد... لذا این سوال مطرح می شود که آیا هر نوع رابطه ای با حفاظت کافی است که یک اقدام تجاری را داخل در معنای ماده (ز) ۲۰ نماید یا این که یک ارتباط خاص لازم است از آن جا که تمامی بندهای ماده ۲۰ به جز بند (ز) بیان میکند که هر اقدام مغایر با گات بایستی بخاطر رسیدن به هدف سیاست بیان شده در ماده ضروری " یا "اساسی" باشد، به این معنا خواهد بود که بند (ز) نه تنها شامل اقداماتی است که برای حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی اساسی هستند. بلکه شامل طیف وسیعتری از اقدامات هم میشود اما همان طور که در مقدمه ماده ۲۰ آمده است. هدف از بند (ز) در موافقت نامه عمومی دادن یک قلمرو وسیع به اقداماتی که در جهت اهداف سیاست تجاری به کار گرفته میشوند نیست بلکه صرفاً به منظور تضمین تعهداتی است که در موافقت نامه عمومی مانع از تعقیب سیاستهایی میشود که هدفش حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی است. به این دلایل پانل نتیجه گرفت که اگر یک اقدام تجاری برای حفظ یک منبع طبیعی تمام شدنی ضروری یا اساسی نباشد، اما هدف عمده آن حفاظت از منبع طبیعی تمام شدنی باشد بایستی به عنوان اقدام مرتبط با حفاظت در معنای ماده (ز) ۲۰ به حساب آید.

در قضیه ایالات متحده - گزولین نهاد استیناف تفسیر مرجع استیناف در قضیه "کانادا . and Herring salmon" را در رابطه با... حفاظت " مبنی بر این که هدف عمده ،اقدام، حفاظت باشد " پذیرفت. نهاد استیناف چنین گفت قواعد راجع به تعیین خط مبدأ عمده تاً هدفش " حفاظت از هوای پاک که یک منبع طبیعی تمام شدنی است میباشد.

۱-۷- استثنائات ضرورت اقتصادی

این استثنائات به اعضای سازمان تجارت جهانی اجازه میدهد تا در وضعیت هایی که موج ناگهانی واردات باعث ایراد صدمه به صنعت داخلی یا تهدید آن میشود اقداماتی را اتخاذ نمایند که با گات مغایر است. امکان محدود کردن تجارت در چنین وضعیتهایی یک دريچه اطمینان است که همیشه وجود داشته و هنوز هم در اغلب موافقتنامه های تجاری از قبیل موافقتنامه سازمان تجارت جهانی وجود دارد این امر انعکاس این واقعیت سیاسی است که آزادی تجارت در صورتی که سبب ایجاد صدمه اقتصادی شدید و غیر منتظره به بخشهای خاصی از اقتصاد یک کشور شود میتواند تحملش مشکل باشد در وضعیتهای ضرورت اقتصادی اقدامات مغایر با گات برمیگردد به اقدامات حمایت کننده از صنایع داخلی اقدامات حفاظتی). اقدامات حفاظتی موقتاً رقابت وارداتی را محدود میسازند تا زمانی که صنایع داخلی با واقعیات اقتصادی جدید وفق داده شوند این قبیل اقدامات ربطی به عملکردهای تجاری ناعادلانه نظیر آنتی دامپینگ و کانتروپلینگ ندارد. اقدامات حفاظتی نسبت به تجارت عادلانه اعمال میشود یعنی تجاری که مطابق با شرایط رقابت عادی و حقوق سازمان تجارت جهانی واقع میشود نهاد استیناف در قضیه "آرژانتین - جوامع (اروپایی) پوشاک پا، چنین گفت:

محدودیت‌های وارداتی حاصل از اتخاذ و اعمال اقدامات حفاظتی بایستی به عنوان یک موضوع غیر معمول نگریسته شود و هنگام قضاوت درباره پیش شرط های اتخاذ چنین اقداماتی، ماهیت غیر طبیعی آن ها باید در نظر گرفته شود. مطابق قواعد سازمان تجارت جهانی موازین حفاظتی موقتی و نیز موازین حفاظتی خاصی وجود دارد که میتواند بر واردات محصولات کشاورزی و منسوجات اعمال شود.

به طور کلی، شرایط توسل به چنین موازین خاص و موقتی سخت تر از اعمال موازین حفاظتی عادی است. برای مثال پروتکل الحاقی چین یک نظام حفاظتی خاص و موقتی را مقرر می کند که اعضا دیگر سازمان تجارت جهانی میتوانند به منظور محدود کردن واردات از چین تا دسامبر ۲۰۱۳ به آن متوسل شوند. گاتس تاکنون امکان اتخاذ اقدامات حفاظتی را پیش بینی نکرده است اما ماده ۱۰ گاتس خواستار مذاکرات چندجانبه در مورد اقدامات حفاظتی در گاتس شده است. ۲۰۲ ماده ۱۹ گات ۹۴ و موافقتنامه راجع به اقدامات حفاظتی ماده ۱۹ گات ۱۹۴۷ در تمام قسمتها با ماده ۱۹ گات ۹۴ یکسان است حدود ۱۵۰ اقدام حفاظتی رسماً به اطلاع اعضا متعاهد رسانده شده بود، اما اعضا متعاهد غالباً به موازینی غیر از موازین فوق متوسل می شدند، این اقدامات عبارت بودند از محدودیت‌های صادراتی اختیاری (VER) ترتیبات محدود کننده اختیاری (VRA) و ترتیبات منظم بازاری (OMA) برخلاف موازین حفاظتی اقدامات فوق هیچ جبرانی را مقرر نمیکرد و می توانست به صورت انتخابی علیه کشورهای بزرگ صادر کننده اعمال شود. این دلیل فراوانی اقداماتی نظیر OMAS, VERS VRAS, OMAS, VERS VRAS, OMAS است. موافقتنامه راجع به اقدامات حفاظتی در دور اروگوئه به مذاکره گذاشته شد زیرا لازم بود تا خط قرمزهای ماده ۱۹ گات مشخص شود تا بتوان کنترل فراگیر بر موازین حفاظتی را برقرار و موازینی را که به دنبال فرار از این کنترل هستند حذف کرد. موافقتنامه راجع به اقدامات حفاظتی بخشی از ضمیمه (الف) ۱) موافقتنامه سازمان تجارت جهانی است که مقرر ۱۹ گات ۹۴ را توضیح میدهد اما قواعد جدیدی را نیز بیان میکند.

نتایج

شرط ملت کامله الوداد غیر مشروط مبنای نظام گات است. ماده یک گات مقرر می‌دارد که رفتار ملت کامله الوداد نسبت به کالاهای طرفین متعاهد گات فوراً و بی قید و شرط اعطا می‌شود. اصل ملت کامله الوداد محور اصل عدم تبعیض در گات است و این امر در سازمان تجارت جهانی نیز برقرار است. در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی اعمال رفتار ملت کامله الوداد به حوزه‌هایی فراتر از حوزه کالاها راه یافته و حوزه خدمات و حمایت از حقوق مالکیت فکری را هم در بر گرفته است. ماده ۲ موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات گانس) اعمال رفتار ملت کامله الوداد را در رابطه با هر گونه اقدامی که تحت شمول این موافقتنامه است مقرر داشته است علی‌رغم مرکزیت رفتار ملت کامله الوداد در گات گات و سازمان تجارت جهانی استثنائات مهمی را به رفتار ملت کامله الوداد وارد کرده‌اند. عمده‌ترین استثنائات در رابطه با موافقتنامه‌های منطقه ای و اتحادیه‌های گمرکی و مناطق تجارت آزاد است که مطابق آن، ترجیحاتی به اعضای چنین موافقتنامه‌هایی اعطا شده و لذا رفتار ملت کامله الودادی که در گات مقرر شده است، ارائه نمی‌شود.

مطابق ماده ۲۴ گات این منافع به اعضا متعاهد گات یا سازمان تجارت جهانی تسری نمی‌یابد. استمرار رفتار ملت کامله الوداد در حقوق سازمان تجارت جهانی همراه با روند حل و فصل اختلافات در آن، به این معناست که نظام تجارت جهانی اقتضای این را دارد که رفتار ملت کامله الوداد را به یک طریق سازگار و یکسان تفسیر کند. از طرف دیگر شروط ملت کامله الوداد با درج در موافقتنامه‌های تجارت منطقه ای زندگی دوباره یافته و با درج در موافقتنامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه به شکوفایی رسیده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل پروژه چند ساله ای را به منظور فراهم‌آوری مجموعه‌ای از مواد و تهیه یک پیش‌نویس از چنین شروطی در دست داشت ایده اولیه برای این کار به زمینه کار کمیسیون در حقوق معاهدات برمی‌گشت در آن زمان پیشنهاد شد که مقررره ای در طرح مواد پیش‌نویس راجع به حقوق معاهدات مبنی بر استثنا عملکرد حقوق معاهدات نسبت به شروط ملت کامله الوداد بیاید. اما این پیشنهاد رد شد و قرار شد که کمیسیون موضوع شروط ملت کامله الوداد را به عنوان یک نهاد حقوقی و موضوعی جدا و نه به عنوان موضوعی از حقوق معاهدات در آینده مورد مطالعه قرار دهد هر چند در مقدمه طرح پیش‌نویس قرار بر این شد که این مواد در پرتو کنوانسیون حقوق معاهدات تفسیر شوند کمیسیون خود را در قلمرو اعمال کنوانسیون وین و حقوق بین‌الملل عمومی محدود ساخت و ذکر از حقوق و تعهدات افراد به میان نیاورد هر چند شروط ملت کامله الوداد حاوی حقوقی برای بهره‌مندی افراد است و معتقد بود که مشکلات اجرایی نمیتواند از ارزش تصویب قواعدی با ویژگی حقوق بین‌الملل عمومی بکاهد. در این طرح کمیسیون بر اهمیت نقش تعهد رفتاری ملت کامله الوداد در قلمرو تجارت بین‌الملل تأکید ورزید. اما به طور خاص مطالعاتش را بر آن قلمرو محدود نکرد و به جای آن اعمال شرط را در بسیاری از قلمروهای دیگر نیز روشن و مکشوف ساخت ولی سعی کرد تا از ورود به موضوعاتی که واجد ماهیت فنی اقتصادی بودند اجتناب کند کار کمیسیون مبتنی بر تجزیه و تحلیل رویه دولتها در انعقاد معاهدات مشمول شروط ملت کامله الوداد در حوزه‌های

مختلف و تصمیمات دیوان در قضایای انگلیس و شرکت نفت ایران حقوق اتباع آمریکایی در مراکش آمبائیلوس و تصمیمات دادگاه های داخلی بود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱- دفتر نمایندگی تام الاختیار جمهوری اسلامی ایران جنبه های تجاری حمایت از حقوق مالکیت فکری،
خبرنامه، شماره ۴۵، سال هفتم فروردین ماه ۱۳۸۲:

http://www.irtr.gov.ir/pages/newsletter_Details.asp?id=۹

۲- زایدل، هوهن فلدن، آیگناتس، حقوق بین الملل اقتصادی، زمانی قاسم، مترجم موسسه مطالعات و پژوهشهای
حقوقی دانش ۱۳۸۵، چاپ چهارم

۳- ساترلند، پیتر، افول اصل عدم تبعیض، خبر نامه رویدادها و تحولات سازمان تجارت جهانی، شماره ۶۶

www.Irtr.ir/news letter/ 73/ 14.htm, Visited in 2009/1/7

ب منابع انگلیسی

کتاب

4- Acconci, Pia, Most - "Favoured - Nation treatment, The Oxford Hand Book of International Investment Law, Oxford University Press Inc., New York OP Much linski, Fortino, Cshruer, 2008, p. 402.

5- Agosin, Manuel R. and Francisco J. Prieto, "Trade and foreign direct investment policies: pieces of a new strategic approach to development?", *Transnational Corporations*, 2, 2 (August). 1993.

6- Baldwin, Richard E.(2000), "Regulatory Protectionism, Developing Nations and a Two-tier World Trade System", at <http://hei www. Unige.ch ~ Baldwin /papers/tbt - Baldwin - brookings. Pdf>, Visited in 3.2.2008.

7-Bebr, G., "Directly applicable provisions of Community law: The Development of a Community Concept", *International and Comparative Law Quarterly*, London, Vol. 19, April 1970

8-Caflisch, L.C., "The access of land-locked states to the sea" in *Iranian Review of International Relations, Teheran, Nos 5-6 (winter 1975-76)*.

9- Curzon, G., "Multilateral Commercial Diplomacy": *The General Agreement on Tariffs and Impact on National Commercial Policies and Techniques, New York, Praeger, 1966*

10- Dam, Kenneth w., "The GATT Law and Int. Economic Organization", *Shicago: the University of shicago Press(1970)*, Session, Supplement No.1 (TD/B/322).

11- Davidson and Paul J., "The Legal Framework for International Economic Singapore: *Institue of Southeast Asian Studies*", 1997.

12- Gilligan, Michael J, "Empowering Exporters: Reciprocity Collective Action in American Trade Policy", Michigan/The university Michigan Press, 1997.

13- Hasan, K., "Equality of Treatment and Trade Discrimination in international Law", *The Hague, Nijhoff*, 1968.

ج-مقالات (Articles)

14- Correa, Carlos, "Bilateral Investment Agreements: Agents of New Global Standards for the Protection of Intellectual Property Rights?", (GRAIN, August 2004) www.grain.org (visited on January 5, 2007).

15- Dolzer, Rudolf and Myers Terry, "After Tecmed: Most Favored- Nation Clauses in Investment Protection Agreements" 19 ICSID Rev. - FILJ 49 (2004). 33- Dolzer, Rudolf and Schreuer, christoph, "Principles of International Investment Law", Oxford [UK]; New York: Oxford University Press, 2008.

16- Drahos, Peter, "expanding Int. P.S Empire: The Role of FTAS "(2003), available at www.grain.org

17- Fietta, S, "Most Favoured Nation Treatment and Dispute Resolution under Bilateral Investment Treaties": a Turning Point?", 8 Intl ALR131 (2005).

18- Fitzmaurice, Sir Gerald, "The law and Procedure of the International Court Justice",

1951-4: Points of Substantive Law, part II, The British year book 56, London, 1957, Vol. 32. f International Law, 1955-

19- Fryer, Dana H. and Herlihy: David, "Most - Favored - Nation Treatment and Dispute settlement in Investment Arbitration: Just How "Favored "is "Most - Favored"?" ICSID Review, FIJL 58(2005)

20- Gaillard, Emmanuel, "Establishing Jurisdiction Through a Most Favoured – Nation clause", New York Law Journal, Volume 233 - No. 105.